



واکاوی جایگاه فرهنگ در معماری و تأثیر پذیری معماری سنتی از مولفه های فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر بوشهر)

ریحانه ثقفی

کارشناسی ارشد معماری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر ، بوشهر ایران

مدرس گروه معماری دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر

reyhanesaqafi@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش ، واکاوی جایگاه فرهنگ در معماری و تأثیر پذیری معماری سنتی از مولفه های فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر بوشهر) می باشد. به نظر می رسد مکان های ایده آل ، مکان هایی هستند که هویت مند بوده و بازتابی از فرهنگ غالب آن منطقه اند. در چنین مکان هایی حواس انسان تحریک شده و حس آشنایی و مسبوق به سابقه بودن را به او القا می کند. محقق در این پژوهش از روش توصیفی - کیفی استفاده و اطلاعات خود را از روش کتابخانه ای گردآوری نموده است. پس از پژوهش در رابطه با مسئله مطروحه ، به نظر می رسد شناخت فرهنگ و هویت اصیل و تأثیری که بر انسان بر جای می گذارند به معماران کمک نموده تا به اهمیت ساخت فضاهای هویت مند و دارای ریشه و فرهنگ پی ببرند و از آنها در جهت کاهش رفتارهای مخرب در محیط و تشدید رفتارهای مفید، استفاده کنند.

کلمات کلیدی: فرهنگ ، معماری ، معماری سنتی ، بافت تاریخی ، بوشهر



۱- مقدمه

روشن است که هیچ شهر یا محیطی نمی تواند خود را مستقل از فرهنگ و هویت بداند، این دو عنصر به عنوان جزء ضروری و جدا نشدنی درون شهرها می تواند موثر بر رفتار و عملکرد مردم و یا تأثیر پذیر از آن باشد. مکان های مختلف از گذشته تا کنون با انسان ها مرتبط بوده اند و انسانها با تجربه یک مکان بر آن تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می پذیرند. مکان های ایده آل، مکان هایی هستند که هویت مند بوده و بازتابی از فرهنگ غالب آن منطقه اند. در چنین مکان هایی حواس انسان تحریک شده و حس آشنایی و مسبوق به سابقه بودن را به او القا می کند. شناخت فرهنگ و هویت اصیل و تأثیری که بر انسان بر جای می گذارند به معماران کمک می کند تا به اهمیت ساخت فضاهای هویت مند و دارای ریشه و فرهنگ پی ببرند و از آنها در جهت کاهش رفتارهای مخرب در محیط و تشدید رفتارهای مفید، استفاده کنند.

گاه مشاهده می شود که بناهای امروزی به واسطه توسعه امکانات، تجهیزات طراحی و ساخت مصالح جدید، بهتر و کاربردی شده است، ولی فرآیند این طرح وابستگی به انرژی و مقرون به صرفه نبودن و غیرصمیمی بودن را به ارمغان آورده است. چرا که گسست معماری با سنت ها و تجربه های پیشین، انسان گرایی و توجه به روحیه انسان بومی را از معماری حذف کرده است. فضای معماری، بی شناخت فرهنگ سازنده آن فهم نمی شود و هر آنچه از این فرهنگ بر می خیزد، پس از گذر داده شدن از تدبیرها و شگردها و فن ها و ابداع ها، پدیده ای است که سخنی جز از راه شکل خود، نمی گوید. معماری محل سکونت انسان ها بیش از هر چیزی به نحوه زندگی، ادارک و برداشت آنها و نیز ویژگی های جغرافیایی محل سکونت شان بستگی دارد.

۲- تعریف فرهنگ

فرهنگ پدیده ای است که خاص انسان بوده و توسط انسان ایجاد گردیده است. انسان فرهنگ را طی میلیون ها سال در مراحل مختلفی به تدریج ساخته و در این دوران، به تدریج با پیشرفت وضعیت جسمانی انسان اعم از وضعیت بدنی و به ویژه پیچیده تر شدن مغزش، فرهنگ پیچیده و پیچیده تر گردیده است. فرهنگ چیزی است که امروز تمدن انسان با این پیشرفت عظیم آن، مدیون فرهنگ است.

بنابراین، فرهنگ همواره ویژگی پویایی را در خویش نهفته دارد و با توجه به قدرت یادگیری انسان، اکتسابی و قابل انتقال است. فرهنگ تغییر می یابد و عوامل درونی و بیرونی چندی مانند نوآوری های فرهنگی، تغییر ساختاری در نظام اجتماعی، ابداعات فن آوران، تحولات زیست بومی، اشاعه فرهنگی و فرهنگ پذیری باعث تغییر فرهنگ می شوند. هیچ فرهنگی نمی تواند بدون جامعه وجود داشته باشد. همچنان که هیچ جامعه ای بدون فرهنگ وجود ندارد. بدون فرهنگ ما اصلاً انسان به معنایی که به طور معمول از این واژه درک می کنیم، نخواهیم بود، نه زبانی خواهیم داشت که با آن مقاصد خود را بیان کنیم و نه هیچ گونه احساس و خودآگاهی و توانایی تفکر یا تعقل به شدت محدود خواهد بود. در این میان چالش های هویتی امروز سرنوشت ساز هستند. به عنوان نمونه، برخی اعتقاد دارند که اگر فرهنگی بخواهد به توسعه و ترقی دست یابد، چند بحران را باید پشت سر بگذارد که نخستین آن بحران هویت است؛ بنابراین، فرهنگ و هویت، جزء مفاهیمی هستند که در ارتباط با هم شکل می گیرند و به نوعی به هم تنیده هستند که بقای یکی بر دیگری تأثیر می گذارد.

از نظر لغوی معانی فراوانی از فرهنگ ارایه شده است، به طوری که این تعریف از فرهنگ در ایران باستان به دوره ساسانیان بر می گردد. اما در فرهنگ های جدید تعریف فرهنگ چنین آمده است: در فرهنگ نفیسی، فرهنگ نیکویی تربیت و پرورش، بزرگی و هنر و علم و معرفت، علم فقه و شریعت و کتابی که دارای لغات فارسی باشد و...، تعریف گردیده است. فرهنگ معین فرهنگ یا فرهنگ را ادب (نفس)، تربیت، و دانش و علم و معرفت معنی کرده و در فرهنگ عمید فرهنگ به معنی دانش، ادب، علم، معرفت تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز کتاب لغت معنی شده است.

در علوم اجتماعی، از فرهنگ توسط اندیشمندان و مردم شناسان تعاریف متعددی ارایه گردیده است، اما به طور کلی فرهنگ عبارت است از تمامی جنبه های غیر زیست شناختی انسان، یعنی راه و روش زندگی، دست آوردها و اندیشه ها و به طور کلی



آنچه را انسان پدید می آورد و از طریق غیر زیست شناختی از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. این تعریف تمام ابعاد غیر زیست شناختی انسان را اعم از زبان، نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علوم و صنایع، آداب و رسوم، دین، ارزش ها، هنر، وسایل زندگی، مسکن، لباس و غیره را در بر می گیرد. اما ادوارد تایلور فرهنگ را این چنین تعریف می کند: فرهنگ یا تمدن کلیت پیچیده ای است که شامل اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی می شود که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند (تشریحی، ۱۴۰۱: ۱).

تایلور فرهنگ را مجموعه تجلیات معنوی، هنری، تاریخی، ادبی، مذهبی و احساس یک قوم به صورت سمبل ها، علائم، آداب و رسوم، سنت ها، آثار و رفتار جمعی که در طول تاریخ یک قوم فراهم آمده می داند که این تجلیات جنس، روح، فطرت و خصوصیات اجتماعی و زیست مادی، روابط اجتماعی و ساختار اقتصادی آن جامعه را توجیه نماید. فرهنگ به عنوان یک نیاز ضروری جامعه در شکل پیچیده و تکامل یافته امروزی، نیازها و ملزوماتی دارد. اگرچه امروزه وسایل ارتباط جمعی همچون تلویزیون و رادیو امواج فرهنگی خود را همه روزه داخل خانه ها انتشار می دهند؛ لیکن بسیاری از امور فرهنگی تنها در مکان های مخصوص به خود صورت می پذیرد (شریعتی، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

مکان هایی همچون کتابخانه ها، سینماها، تئاترها امروزه جزء فضاهای قطعی یک مجموعه شهری در آمده و بدون آن شهر از خلأ فرهنگی محسوسی رنج خواهد برد. اگر چه این قبیل فضاها به لحاظ کمی مخاطبان کمتری نسبت به وسایل ارتباط جمعی دارند، اما نمی توان مدعی شد که از نظر کیفی از اهمیت کمتری برخوردار هستند. مزیت عمده مراکز و مجموعه های فرهنگی نسبت به رسانه های گروهی در آن است که فرد ابتدا احساس علاقه کرده و سپس اراده می کند و به یک مرکز فرهنگی برای مشاهده و یا انجام یک کار فرهنگی می رود. بنابراین او با میل خود به سوی یک کار فرهنگی رفته، لذا به نحو بارزتری از آن بهره مند می شود. در حالی که برای مثال تلویزیون امروزه یک پدیده تا حدی تحمیلی و یک طرفه در خانه می باشد، بینندگان حتی در صورت عدم اشتیاق از برنامه های آن استفاده می کنند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مراکز فرهنگی از قدرت تأثیرگذاری بیشتری روی فرد و جامعه برخوردار بوده و همچنین به علت قدرت انتخاب استفاده کننده از این مراکز، این مراکز باید واجد شرایط کیفی و جاذبه خاصی بوده و تا بتواند استفاده کننده را به خود جذب نماید و بعد از این مرحله قدرت تأثیرگذاری مجموعه های فرهنگی بر فرد استفاده کننده به حداکثر می رسد (شریعتی، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

۳- انواع فرهنگ

از آنجایی که هر جامعه و تفکری بر پایه جهان بینی خویش، برای فرهنگ تعریفی ارائه می نماید، فرهنگ موضوعی انتزاعی و هم عرض با سایر امور جامعه نیست، بلکه فرهنگ فضایی معنوی است که فرد یا جامعه در آن فضا مشی میکند. برای مثال تأثیر فرهنگ در زمینه های متفاوت زندگی از جمله در هنر و معماری و شهرسازی و توسعه و شیوه زیست و حتی فرآورده های صنعتی امری غیر قابل انکار است. تعریف ارتباط بین دو پدیده عاقل (انسان) قوانینی به وجود می آورد که به آن فرهنگ می گویند، که خود به مدل کلی از فرهنگ های مختلف تقسیم می گردد (اکبری، قاسمی و شادمان، ۱۴۰۱: ۳):

جدول شماره (۱) - انواع فرهنگ ها

ردیف	انواع فرهنگ	توضیح فرهنگ
۱	فرهنگ نمادی	هنگامی که فرهنگ در قالب نمادها ظاهر می شود می توان از جلوه دیگری از فرهنگ یاد نمود که با این عنوان



در فرهنگ نمادین، نمادی شده مشخص می شود. تفهیم و تفهم و آموزش از طریق فرهنگ نمادین انجام میشود و آثار هنری کتب و نوشته ها نیز از این نوع هستند		
شکل دیگر بروز فرهنگ (معنی) بروز آن در رفتار یا عمل فرد است، رفتار افراد در جامعه در طی زمان با هم ترکیب و رسوب بندی شده و شکل هایی از رفتار را تثبیت می کند که از آن به عنوان نهاد یاد می شود هنگامی که فرهنگ در شکل هایی از رفتار تثبیت شده بارز گردد و مورد عمل قرار گیرد به آن فرهنگ نهادی شده گویند	فرهنگ نهادی	۲
تجلی فرهنگ در رفتار تنها محدود به رفتارهای رسوب بندی شده نیست. به عبارت دیگر فرهنگ تنها در قالب نهادهای متضمن معنی و تعیین کننده شکل یا شیوه رفتار متجلی نمی شود بلکه فراتر از اینها در تغییراتی که انسان در طبیعت ایجاد می کند نیز بارز می شود	فرهنگ متبلور	۳
به مجموعه فعالیت هایی اطلاق می شود که محسوس و ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و علمی است. مانند: فنون، ابزارهای کاربردی و تولیدی، داروهای شیمیایی، برقی و...	فرهنگ مادی	۴
به موضوعات و مسائلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند: معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان و هنر، ادبیات و رسوم و... که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهد و بالطبع از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه ای است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می کند. در صورتی که فرهنگ مادی را می توان با گرفتن از فرهنگ های دیگر توسعه داد و غنی کرد. بعضی از تقسیم بندی ها فقط فرهنگ غیر مادی را (فرهنگ) نامیده و مطالعه ی آن را کار مردم شناسی و فرهنگ مادی را (تمدن) دانسته و تحقیق درباره ی آن را موضوع جامعه شناسی می دانند	فرهنگ غیرمادی	۵

۴- عناصر فرهنگ

ساخت فرهنگی به طور معلوم از عنصر فرهنگی، ترکیب فرهنگی و حوزه فرهنگی تشکیل می گردد. بدین معنی که کوچکترین موضوع و واحد قابل تعریف و تشخیص را عنصر فرهنگی و مجموعه ترکیب های فرهنگی را که در یک منطقه دارای شکل و محدوده متمایز است (حوزه فرهنگی) می گویند. فرهنگ دارای سه عنصر مهم است که عبارتند از: عناصر عمومی، عناصر تخصصی و عناصر اختراعی یا ابداعی.

عناصر عمومی: راه یا راه های مشترک زندگی مردم، طرز تهیه غذا، راه تهیه لباس، طرز تکلم و زبان و ادبیات رابطه افراد جامعه با هم و... جزء عناصر عمومی فرهنگ یک جامعه قلمداد می شوند و همه در معرض تغییر هستند.

عناصر تخصصی: مخصوص گروه های معین هستند مثل مشاغل و راه انجام آنها و اینکه چگونه در تأمین اجتماعات جامعه موثر می باشند و از جهات مختلف تغییر می کنند.

عناصر ابداعی یا اختراعی: که فقط در میان معدودی از افراد یک جامعه پیدا می شوند در اینجا باید دو نکته را در نظر داشت: اول اینکه تغییرات اجتماعی در سایه همین عناصر اختراعی و ابداعی به وجود می آیند یعنی اگر راه های تازه افکار جدید و وسایل نو در یک جامعه پیدا نشوند، تغییرات مهمی در شئون زندگی جامعه رخ نمی دهد. نکته دوم اینکه تغییرات وقتی عمیق و اساسی می شوند که در عناصر عمومی و تا اندازه ای در عناصر اختصاصی تأثیر داشته باشند تا راه و رسم زندگی یک گروه از مردم را عوض نمایند (نائینی، ۱۳۸۹).

۵- معماری و فرهنگ

مفهوم فرهنگ، مفهومی بسیار بفرنج و پیچیده است که واجد نمودهای عینی است. سازهای فکری برای تبیین، تدوین، تشریح و توجیه مجموعه پیچیده های از رفتارها، افکار عواطف و ساخته های انسان است و در برگیرنده های کلیه آموخته ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند. درست به همان شیوه که زبان در چگونگی اندیشیدن ما نقش دارد و بدون زبان تفکرات ما جز توده ای گنگ و مبهم پیش نبوده است. فرهنگ نیز بستر ساز و متن رویش تفکرات ماست که تأثیرگذار و تأثیرپذیر است (همان، ۱۳۸۹). ذائقه مشترک، به ما هویتی دیگر می دهد که دیگران از آن نصیبی ندارند، همان هویت فرهنگی ما را تشکیل می دهد و معطوف به اندیشه ها، آرا و ذهنیت هایی است که یک جامعه و یک نسل حامل و واجد



آنها است (اکبری و همکاران ، ۱۴۰۱ : ۶). اگر به جهان اطراف نگاهی بیندازیم، آمیزه ای وسیعی از مردم مختلف را با آداب و رسوم و عقاید متفاوت میبینیم این موضوع نکته آغازین حدیث جغرافیایی فرهنگی است که با چشم اندازهایی که گروه های متفاوت در مکان های مختلف به وجود می آورند ارتباط دارد (صاحبی، ۱۳۸۴). جوامع کنونی شامل انواع خرده فرهنگ های مختلفی از قبیل فرهنگ های جوانان، فرهنگ های قومی، فرهنگ های هم جنس خواهان و یا فرهنگ های افراد معلوم میشود. لیکن این فرهنگ ها از ابتدای پیدایش کاری کرده اند که جامعه آنها را بپذیرد. اعضای این فرهنگ ها تصمیم گرفته اند تا موجودیت خویش را احراز کنند و خواستار آن شده اند که در عین حال که فرهنگ شان دست نخورده و محفوظ بماند در جامعه پذیرفته و ادغام شوند (قرخلو ، ۱۳۸۹). جهت گیری فرهنگ ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می شود و همین مسیر در شکل دهی به فضای زیست و پیدایش معماری مؤثر است. چرا که این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و این گونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می شوند. بنابراین معماری را قبل از اینکه یک تخصص فنی بدانیم یا از نظر هنری به آن بنگریم، باید به جنبه فرهنگی آن توجه کنیم. فضای معماری بر مبنای مفاهیم فرهنگی در عرصه زمان به رشد و تعالی می رسد و در بعد مکان تجلی می یابد. هنر به عنوان یک سیستم ارتباطی با زبان و فرهنگ در ارتباط می باشد و برای دریافت پیام موجود در آن، باید زمینه فرهنگی ای که هنر در مسیر آن به وجود آمده، مورد شناخت و مطالعه قرار گیرد. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره به وجود آید، مثلاً سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و...، به محض به وجود آمدن می تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات به وجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل به وجود آورنده مطابق با خواستار های فرهنگی باشد، آن معماری ریشه ای عمیق می گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند، معماری فاقد حیات می شود و عوامل جدید آن را از میان بر می دارند. تحولات قرن حاضر موجب دگرگونی و تغییراتی در بین برخی جلوه های زندگی و فرهنگ جامعه شد. حرکت و روند معماری سنتی باز ایستاد و از طرفی به علت سرعت وقوع تحولات فرصت تطابق با فرهنگ را پیدا نکرد (اکبری و همکاران ، ۱۴۰۱ : ۶).

هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود را دارد که نمودی است برای سنجش فرهنگ. این فرهنگ ها ضمن اثرگذاری بر تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی، از جامعه ای به جامعه دیگر و از شهری به شهر دیگر قابل انتقال اند. فرهنگ بر معماری که نمودار سیستم ارزشی حاکم است تأثیر گذارده و به آن فرم می دهد و از سوی دیگر فرهنگ به گونه ای غیرمستقیم یکی از پایه های اصلی زندگانی روانی انسان هاست. ادراک انسان از محیطی که دور و بر خودش ساخته است تابع فرهنگ اوست، ولی اغلب به این مطلب توجه کافی نمی شود. یک مثال جالب در این مورد مناسبات بین انسان و فضاهای شهری در انگلستان از یک طرف و در ممالک عربی از طرف دیگر است. یک انگلیسی از طبقه متوسط در یک خانه تک خانواری مشرف بر باغچه ای کوچک زندگی می کند. برای این فرد زندگی کردن در یک محله سنتی قاهره یا دمشق با آن تراکم جمعیتی اصلاً قابل تصور نیست. مقدار متوسط فضای مورد نیاز برای زیستن در این دو مورد قابل قیاس با هم نیست. فرهنگ، دارای بعدی دیگر نیز هست به نام بعد مادی و منظور از آن، ساختمان ها، بناها، کارخانه ها و... است. در واقع، این امور را نیز جزئی از فرهنگ یک جامعه می شمارند. چون ریشه در ارزش ها، باورها و... دارند و از همین جا حلقه ارتباط فرهنگ و معماری نمایان می شود. وظیفه اصلی فرهنگ نمایش این ایده های ذهنی است به وسیله نمود اشکال عینی، در فرآیند این استحاله، معماری نقشی اساسی به عهده دارد. هرمان موتسیوس یکی از اولین نظریه پردازان ورک بوند آلمان چنین می نویسد: معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست. هنگامی که ملتی می تواند مبل ها و لوسترهای زیبا بسازد اما هر روزه بدترین ساختمانها را می سازد، دلالت بر اوضاع نابسامان و تاریک آن جامعه دارد. اوضاعی که در مجموع، بی نظمی و عدم قدرت سازماندهی آن ملت را به اثبات می رساند (جعفری و ملکی ، ۱۳۹۱).



۶- تاثیر فرهنگ بر معماری

برای درک رابطه ی فرهنگ و معماری، ابتدا به رابطه ی فضا و فرهنگ اشاره می کنیم . فضا نیز همچون فرهنگ دارای ساختاری اجتماعی است که در جریان شکل دهی به تصور مردم از خودشان ساخته می شود. فضا در تقویت و تحول فرهنگی نقش اساسی دارد، زیرا الگوهای رفتاری مورد انتظار در فضای خاص، ارزش های فرهنگی خاصی را منعکس می سازد. این تعریف ، دلالت بر ساخت فضایی ذهنی دارد. تأثیرپذیری از فضای ذهنی، در محدوده ی فضای عینی و کالبدی، قابل درک می شود. معماری ، عمل سازمان دهی فضای ذهنی و عینی، به هم پیوسته است. طرح رابطه ی فرهنگ و معماری به ویژه در حوزه روانشناسی، نیاز توجه به رابطه ی انسان با محیط مصنوع خویش را روشن می سازد. با این نگرش، فرهنگ، عامل یا مسیر ارتباط انسان با محیط مصنوع است و بر دو دسته از عوامل محیطی دلالت دارد:

- رفتارها، اندیشه ها و احساسات استاندارد شده.

- محصولات که نتیجه یا وسیله ی تداوم رفتارها و تفکرات افراد در یک جامعه ی مفروض باشد.

همچنین فرهنگ با توجه به عوامل زیر بر شکل گیری فضای معماری مؤثر است:

- عوامل مادی: ماده ، دانش و فن ساختمان ، اقتصاد

- عوامل محیطی: اقلیم، محیط طبیعی، محیط مصنوعی

- عوامل کارکردی: الگوهای رفتاری و ویژگی های فضایی فعالیت ها ، تکنولوژی و ابزارهای زیست

- عوامل فرهنگی: فرهنگ و الگوهای پایدار زیبایی، مد و سلیقه ابداع و خلاقیت

معماری به عنوان ظرف زندگی انسان، آینه ی تمام نمای فرهنگ در هر جامعه است و در تعاملی تنگاتنگ با ویژگی های ساختاری ، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه قرار دارد. مردم هر سرزمینی، در ساخت اثر معماری در تلاش اند تا با بهره گیری از عناصر مادی، از ارزش های خویش حفاظت و از هنجارهای خود تبعیت کنند. به بیان دیگر معماری عبارتست از هرگونه ساخت و سازی که محیط مادی را براساس "قالب ذهنی" نظام بخشی، آگاهانه تغییر دهد (انصاری ، ۱۴۰۰:۴).

۷- بافت تاریخی بوشهر

بافت تاریخی بوشهر که در شمالی ترین نقطه شبه جزیره بوشهر قرار دارد شکلی مثلثی دارد و از طرف (شرق، غرب و شمال) به دریا و از یک طرف (جنوب) به خشکی متصل است. این بافت مساحتی در حدود ۳۹ هکتار دارد (حمیدی، ۱۳۸۴: ۴۵).

بافت تاریخی بوشهر حاصل عوامل متعددی است. این بافت ارگانیک، متراکم، درونگرا و برونگراست و در میان سایر بافت های موجود منحصر به فرد است. این عوامل را می توان به گونه ای کلی و عمده در سه گروه عنوان نمود:

جهان بینی یا چگونگی نحوه نگرش به جهان: این عامل، دین، مذهب، شیوه، فرق متفاوت اجتماعی و مذهبی را شامل شده و تأثیر آن ها را بر شکل بخشیدن به کانون های زیستی و شهر نشان می دهد . عامل اقتصادی: مطالعات بی شماری در جهان چه در قرن گذشته و حال تأکید عمده بر نقش تجارت در تکوین شهر دارند. بوم، محیط و اقلیم: که عناصر محیط زیست طبیعی را شامل می شود . آنچه در این جا اهمیت دارد، تأثیر قطعی آن بر شکل گیری کالبدی و تظاهرات فضایی کانون زیستی و شهر است. عاملی که در پیدایش و از میان رفتن شهر های قدرتمند گذشته نقش داشته و هنوز نیز بسیار تعیین کننده است (کریمی ، ۱۳۸۹).

۸- ویژگی های معماری بافت قدیم

سیمای عمومی بافت قدیم بوشهر، واجد انسجام و یکپارچگی خاصی است. بناهای مختلف در این محدوده، با وجود تفاوت هایی که با یکدیگر دارند تصویری هماهنگ، یکدست و بسیار زیبا را به معرض نمایش می گذارند. تکرار اجزاء مشابه در سیمای هر

بنا، اندود سفید مایل به خاکستری که تمامی بناهای قدیمی را پوشانده، قطعات چوبی خوش تراش که درها، پنجره ها و شناسیرها را به وجود آورده است و قطعات چدنی تزئینی داخل آنها، در کنار دریای بیکران که حاشیه ای مناسب برای این متن است، بوجود آورنده سیمای منحصر به فرد معماری این منطقه است. سیمای بافت از سمت دریا نمایشگر یکپارچگی در تراکم واحدهای مسکونی، ارتفاع ساختمان ها و مصالح به کار برده شده در نما و نوع معماری است (کریمی، ۱۳۸۹).

۹- اصول فرهنگی هویتی ایرانیان و نمود آنها در معماری سنتی بوشهر

این تصویری نادرست است که خانه را تنها یک سرپناه بدانیم، یک معماری مناسب باید به ساکنین خود، القای آرامش کند، آنها را از طبیعت جدا نکند بلکه احساس پیوستگی با طبیعت را در آنها ایجاد کند، از انسان در برابر آلودگی صوتی محافظت کند، احساس استقلال انسان را از او نگیرد و... برای درک مفاهیم معماری این سرزمین باید اصول خاص فرهنگ هایی را که این مفاهیم در درون آن بوجود آمده اند را شناخت. این اصول عبارتند از:

محرمیت: در معماری ایرانی و در شکل گیری فضاهای مختلف و بخصوص فضاهای مسکونی، مسائل اعتقادی و خاص ایرانیان تأثیرگذار بوده است. یکی از این ویژگی ها، احترام به زندگی خصوصی و حرمت قائل شدن برای آن است. دیگری عزت نفس ایرانیان است که این نیز به نحوی در خانه های ایرانی قابل مشاهده است. در این نوع خانه، فضای درونی به وسیله دیوار از فضای بیرونی جدا می شود و تنها بخشی از ساختمان که بیرون آمده و با خارج در ارتباط است، قسمت ورودی است. هشتی به معنای بیرون جسته و بیرون آمده است. هشتی ها معمولاً دارای سردری است که در دو سوی « هشتی » آن، دو سگویی سنگی قرار دارد. این سگوها برای آن ساخته می شدند که مهمان در فاصله ای که در می زند و صاحب خانه آن را باز می کند، بر سگوها بنشیند. آیفون های آن زمان نیز دو وسیله فلزی بود که هر کدام به روی لنگه ای از در ورودی نصب می شد؛ یکی حلقه ای شکل و دیگری همانند چکشی کوچک. مراجعه کننده اگر زن بود، وسیله حلقه ای را به در می کوبید و اگر مرد بود، وسیله چکشی را. آنان برای رعایت کردن حریم روابط زن و مرد، از این شیوه استفاده می بردند. (شکل-۱) پس از در ورودی، معمولاً دالانی وجود داشت؛ آن دالان ها به آرامش اهل خانه و حفظ حریم خصوصی شان کمک می کند (پرتوی، ۱۳۸۷).



شکل شماره (۱): کوبه های زنانه و مردانه درب های قدیمی

تارمی، فضایی است غیر محصور و مسقف که در طبقات در نظر گرفته می شود و دور تا دور آن با کرکره های چوبی و آفتابگیر حصیری پوشیده شده است تا از دید مزاحم جلوگیری گردد. این فضا در خانه های تاریخی بوشهر قدمتی دیرینه دارد (شکل-۲). در شهر بوشهر سقف خانه ها عموماً صاف بوده و برای فعالیت های شبانه و خواب مورد استفاده قرار می گیرد. پشت بام دارای جان پناه بلند و مشبک است تا ضمن حفظ محرمت مانع کوران هوا نشود (شکل-۳).



شکل شماره (۲) : تارمی (تارمه یا طارمه) در معماری سنتی بوشهر



شکل شماره (۳) : حیاط مرکزی در معماری بافت تاریخی بوشهر

مردم واری: در شهرهای سنتی با وجود تفاوت سطح اقتصادی ساکنان، این تفاوت به راحتی از ظاهر و نمای بیرونی ساختمان‌ها احساس نمی‌شد و فقط با حضور فیزیکی در فضاهای داخلی، میزان برخورداری افراد مشخص می‌گردید ولی در معماری امروزی به راحتی می‌توان افراد فقیر و غنی را از ظاهر ساختمان آنها شناخت و میزان فاصله‌ی طبقاتی را به راحتی اندازه‌گیری نمود. این روند تا آنجا پیش رفته است که شهرهای امروزی به مناطق اعیان نشین و فقیر نشین قابل تقسیم است. با نگاهی به ساختار شهرهای سنتی می‌توان دریافت که هر مداخله در ساختار شهر سنتی بر مبنای نیاز شهروندان شکل می‌گرفت و طراحی شهر نه بر اساس سبک و غرایض طراح بلکه بر مبنای نیاز شهروندان شکل می‌گرفت. مرحوم پیرنیا این اصل را در معماری ایران، مردم واری می‌داند چنان‌چه بناهای سنتی بر اساس مقیاس‌های انسانی شکل می‌گرفت (نامدار و برزگر، ۱۳۹۶: ۱۰). در سیمای بافت تاریخی بوشهر عواملی همچون: یکپارچگی در تراکم واحدهای مسکونی، ارتفاع ساختمانها، مصالح به کار برده شده در نما، تکرار اجزای مشابه در بناها و اندود سفید مایل به خاکستری در خانه‌ها همه نشانگر مردم وار بودن معماری این دیار می‌باشد. (شکل-۴).





شکل شماره (۴) : یکپارچگی بافت قدیم بوشهر

درون گرایی: خصوصیات درون گرایانه ریشه ای عمیق در مبانی و اصول فرهنگی- فلسفی این سرزمین دارد. درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است، توجه به مسائل درونی بر اساس فرهنگ، نوع زندگی، آداب و رسوم و جهان بینی ای شکل گرفته است که همراه با سایر عوامل محیطی و جغرافیایی خود آن بدست آورده است.

مرکزیت: این ویژگی موازی با درون گرایی است. سیر تحول کثرت به وحدت مرکزی در اغلب فضاهای معماری ایرانی به چشم می خورد. فضای مرکزی تنظیم کننده تمام فعالیت ها بوده و اصل و مرکز فضا را در قسمتی قائل است که نقطه عطف و عروجی استثنایی در آن رخ می دهد. بطور کلی می توان حیاط مرکزی را این چنین توصیف کرد: هسته مرکزی خانه، فضایی با نظم هندسی، درون گرا، مستقل، محوری و مرکزی، سرگشوده و رو به آسمان که ابعاد آن تابع اندازه زمین و متناسب با تعداد و نوع اتاق هاست (عبدالحسینی، ۱۳۹۰). حیاط مرکزی در معماری مسکونی بوشهر یکی از زیباترین و منسجم ترین الگوهای است که به قول استاد پیرنیا در زبان الگوی معماری سنتی دیده می شود. در این فضای میان تهی است که خاطرات جمعی اهالی خانه و محرمیت خاص ایرانی به همراه آداب و رسومی ارزشمند به منصف ظهور می رسد (نامدار و برزگر، ۱۳۹۶: ۱۱).

پیوند معماری با طبیعت: در معماری سنتی ایران همزیستی مسالمت آمیزی میان انسان، معماری و طبیعت وجود دارد. فعالیت های اجتماعی، فرهنگ و احکام دینی همواره در آهنگی موزون با طبیعت حرکت کرده اند و همجواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده که عناصر طبیعت به گونه های مختلف در معماری های اصیل حضور داشته و انسان را از فواید تصفیه کننده آن بهره مند گرداند. بهره گیری از مصالح بومی در نمای ساختمان و تجهیزات شهری موجب می گردد تا فضاهای شهری در شهرهای مختلف یکدست و مشابه نبوده و هر شهر از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار گردد. به طور مثال مصالح به کار رفته در ساختمان های قدیمی بافت کهن بندر بوشهر از سنگ محلی (تسک)، گچ محلی، چوب از نوع چندل، حصیر، شیشه رنگی و شل می باشد که بوم آورد می باشند و با شرایط اقلیمی انطباق کامل دارند (نامدار و برزگر، ۱۳۹۶: ۱۱).

۱۰- نتیجه گیری

با توجه به واکاوی جایگاه فرهنگ در معماری و تاثیر پذیری معماری سنتی از مولفه های فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر بوشهر)، در این پژوهش دریافتیم که معماری بناهای واقع در بافت تاریخی شهر بوشهر، همچون سایر نقاط کشور تابع مولفه های فرهنگی و ارزش های مادی و معنوی حاکم بر جامعه در آن زمان بوده است. فرهنگ و هویت یک جامعه، بخشی جدا ناشدنی از معماری سنتی بوده و جایگاه قابل توجهی نزد معماران و سازندگان بناها داشته است. متأسفانه در معماری معاصر این سرزمین، با الگوگیری های نادرست از معماری غرب، بدون انطباق آن سبک از معماری با مؤلفه ها و ارزش های فرهنگی و هویتی مردمان این مرز و بوم، با بی نظمی و سردرگمی قابل ملاحظه ای مواجه گردیده است؛ لذا به نظر می رسد می توان با الگو برداری صحیح از معماری قدیم و عناصر تشکیل دهنده آن که تا حد شایان توجهی به عوامل محیطی، اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی در آن برهه زمانی پاسخگو بوده و انطباق آن با معماری حال حاضر و فناوری های موجود به راهکاری مناسب جهت تقلیل و در نهایت از بین بردن این بی نظمی و سردرگمی دست یافت.

مراجع

- ۱- اکبری، جواد و قاسمی، فاطمه و شادمان، نرگس، (۱۴۰۱). مفاهیم فرهنگی موثر در معماری، با تاکید بر توسعه فرهنگ شهروندی. دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز



- ۲- انصاری، احمد. (۱۴۰۰). تاثیر عوامل فرهنگی بر شکل گیری الگوهای معماری مسکن بومی (نمونه موردی؛ بوشهر). هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست. تهران
- ۳- یرتوی، پروین. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان. چاپ اول. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
- ۴- تشکری، لیلا. (۱۴۰۱). نقش فرهنگ و هویت بومی در معماری شهری، مطالعه موردی دروازه غار شهر تهران. دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز
- ۵- جعفری، امین و ملکی، سلما، (۱۳۹۱). مبانی نظری معماری. چاپ اول. تهران: انتشارات طحان
- ۶- حبیب، فرح. (۱۳۸۹). فضای شهری، بستر تعامل اجتماعی. فصلنامه معماری فرهنگ. شماره ۲۱
- ۷- حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۴). استان زیبای بوشهر. چاپ سوم. بوشهر: انتشارات بوشهر
- ۸- شریعتی، علی. (۱۳۷۲). مجموعه ی آثار: انسان بیخود. جلد بیست و پنجم. چاپ دوم. تهران: انتشارات قلم
- ۹- شریعتی، علی. (۱۳۷۹). مجموعه ی آثار: بازگشت. جلد چهارم. چاپ هفتم. تهران: انتشارات الهام
- ۱۰- صاحبی، محمدجواد. (۱۳۸۴). مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران. چاپ اول. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد
- ۱۱- عبدالحسینی، جواد. (۱۳۹۰). سازگار کردن طراحی خانه های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی. باغ نظر شماره ۱
- ۱۲- فرخلو، مهدی. (۱۳۸۹). جغرافیای فرهنگی. چاپ دوم. تهران: نشر سمت
- ۱۳- کریمی، باقر. (۱۳۸۹). تاثیر معماری قدیم بوشهر بر فرهنگ و معماری کشورهای حاشیه خلیج فارس. فصلنامه علمی- پژوهشی دانشکده هنر و معماری واحد علوم تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی. شماره یازدهم
- ۱۴- نائینی، علی محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر مدیریت فرهنگی. چاپ اول. تهران: نشر ساقی
- ۱۵- نامدار، رقیه و برزگر، مریم، (۱۳۹۶). ویژگی های فرهنگی هویتی معماری و مسکن بومی ایران (نمونه موردی: خانه های بافت تاریخی بوشهر). سومین کنگره بین المللی معماری و شهرسازی معاصر خاورمیانه. تهران